

بررسی و نقد گزارش‌های حضور نبی اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ‌های فجار*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

محمدامین شیری^۱

چکیده

جنگ‌های فجار از جمله نبردهایی است که در زمان جاهلیت به وقوع پیوست. یکی از مسائل مطرح شده در کتاب‌های متقدم تاریخی و روایی اهل سنت، حضور نبی اکرم در این جنگ‌ها می‌باشد که با معیارهای دینی و انسانی پذیرفته شده نیست؛ چون در این دوران دین حنیف حضرت ابراهیم و اسماعیل در میان مردم وجود داشته است. حال سؤال این است: آیا در مورد حضور نبی اکرم صلی الله علیه و آله اسناد معتبری وجود دارد و از نظر دلالتی می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد؟ پژوهش پیش رو گزارش‌های حضور نبی اکرم صلی الله علیه و آله در این جنگ‌ها با تکیه بر منابع تاریخی و روایی متقدم شیعه و اهل سنت و نقد سندی و دلالتی آن‌ها با روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش نشان دهنده این است که همه نقل‌ها به استثنای یک مورد، مرسل است و از لحاظ محتوایی نیز اشکالات زیادی از قبیل مخالفت با سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله و تناقض در سن و کیفیت حضور نبی اکرم صلی الله علیه و آله در این جنگ‌ها است. با دقت نظر در این اشکالات نمی‌توان صحت این گزارش‌ها را پذیرفت و شاید بتوان انگیزه‌هایی برای جعل در این گزارش‌ها یافت.

واژگان کلیدی: نبی اکرم صلی الله علیه و آله، جنگ‌های الفجار، مکه، عکاظ.

* این مقاله یکی از نتایج کلان پروژه «بازتصویر اسلام در عصر امویان» است که در مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام انجام شده است. از این رو، از حمایت‌های مادی و معنوی این مرکز و به ویژه راهنمایی‌های مدیر محترم این پروژه، آقای حجت الاسلام و المسلمین محمد آقا مروجی و ناظر آن، آقای حجت الاسلام والمسلمین سید محمد سلطانی کمال تشکر را دارم.

۱. دانش‌پژوه سطح ۳ کلام اسلامی، مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام mohammadamin.1351377@gmail.com

مقدمه

نبی اکرم صلی الله علیه و آله بالاترین شخصیت جهان اسلام است و سرآمد همه انبیاء پیشین است که حتی قبل از مبعوث شدن به پیامبری این جایگاه اخلاقی و رفتاری ایشان برای جامعه مکه واضح شده بود. در دوران نوجوانی آن حضرت که مصادف با هنگامه جاهلیت بود، جنگ‌های فجّار شکل گرفت. این جنگ‌های ناعادلانه، باعث از بین رفتن روابط نیکوی قبایل و ظلم به افراد شد.

برخی گزارش‌های تاریخی و روایی متقدم اهل سنت، حاکی از شرکت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در این جنگ‌ها است. این حضور در سنجش با معیارهای دینی همان برهه تاریخ که دین حنیف بود و با معیارهای اخلاقی بشری، اینگونه ظلم‌ها و کشتارها پذیرفته شده نیست و همچنین تصویر ارائه شده از آن حضرت در قرآن کریم که در موارد متعدد به عدالت و حسن رفتار از ایشان نام برده می‌شود، منافات دارد.

حال سؤال این است که آیا به‌راستی آن حضرت در این جنگ‌ها حضور داشته است؟ آیا در مورد این حضور اسناد معتبری وجود دارد و از نظر دلالتی می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد؟ پژوهش پیش رو به دنبال بررسی گزارش‌های حضور نبی اکرم صلی الله علیه و آله در این جنگ‌ها با تکیه بر منابع تاریخی و روایی متقدم شیعه و اهل سنت و نقد سندی و دلالتی آن‌ها با روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی است.

۱. مفهوم شناسی فجّار

«فجّار» در لغت از ریشه «فَجَرَ» و به معنای فسق، گناه، عصیان و مخالفت آمده است و در اصطلاح به جنگ‌هایی گفته می‌شود که در ماه‌های حرام در زمان جاهلیت بین برخی قبایل مانند قیس، کنانه و قریش روی داد (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۶۲۹/۲؛ ازدی، ۱۳۸۶ش: ۱۳/۳؛ ابن منظور، ۱۳۶۳ش: ۴۷/۵-۴۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۰ق: ۱۹۰/۲).

اگر چه در مواردی متعدد از این وقایع، نمی‌توان آنها را جنگ نامید ولی در کتاب‌های تاریخ و سیره، از روی تسامح به این شکل نامگذاری شده است.

۲. جنگ‌های فجار در تاریخ و سیره

در زمان جاهلیت چهار ماه رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم دارای احترام بوده و قبایل در آن ایام برای خونریزی کمتر و دلایلی دیگر از جنگ دست می‌کشیدند. این حرمت‌گذاری از دین حنیف حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام بر جای مانده بود (زمخشری، ۱۴۲۴ق: ۲۵۷/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۵۳/۲؛ آلوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۹۶/۱۰؛ طباطبایی، ۱۴۲۲ق: ۲۷۷/۹). در این ایام در بازارهای عُکاظ و بعضی دیگر از بازارهای اطراف مکه اجتماعات پرشوری برپا می‌شد و همه شرکت‌کنندگان، اعم از بت‌پرستان، مسیحیان و یهودیان به خاطر احترامی که این ایام داشتند، در امنیت کامل بودند (ابن اثیر، ۱۴۲۴ق: ۵۲۸/۲؛ فاسی، ۱۴۲۱ق: ۳۴۳/۲). در این اجتماعات قبایل مختلف به داد و ستد، تفاخر، بیان عقاید و سرودن اشعار می‌پرداختند. البته گاهی نیز رخ دادن اتفاقاتی فضای امن را به سوی خدشه‌دار شدن می‌برد که معمولاً با دخالت بزرگان قبایل این امور فیصله پیدا می‌کرد. ولی در سال‌های متعدد جنگ‌های خونینی به وقوع پیوست که طبق برخی از گزارش‌های اهل سنت، بیست سال پس از عام‌الفیل بود و به «ایام الفجار» معروف شد (ابن قتیبه، بی‌تا، ۱۵۰؛ طبری، ۱۴۲۳ق: ۲۱۳/۲؛ مسعودی، ۱۴۲۲ق: ۴۵۳/۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۷۲/۳). بعضی از سیره‌نویسان و مورخین اهل سنت قائل به حضور نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این جنگ‌ها هستند (ابی عیبه، ۱۴۰۷ق: ۵۱۵/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۸۶/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۲ق: ۷۴/۲؛ ابن هشام، ۱۴۱۷ق: ۲۲۳/۱). «ایام الفجار» را چهار جنگ برشمرده‌اند و جنگ چهارم، خود پنج جنگ در سال‌های متمادی بوده است که شاید تاریخ این جنگ‌ها را به صورت تخمینی ۵۸۵ میلادی باشد (افغانی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۵) که در ادامه به بیان آن می‌پردازیم.

۲-۱. فِجَارُ الرَّجْلِ

سبب اولین جنگ، «بدر بن معشر یا معسر غفاری» از قبیله کنانه بود که وارد بازار عُکاظ شد و در گوشه‌ای نشست و پاهای خود را دراز کرده و شروع به تفاخر و شعرخوانی نمود و جمعیتی بر گرد وی جمع شدند. وقتی در سرودن شعر به اینجا رسید که: «من عزیزترین اشخاص عرب هستم و هر کس گمان دارد از من عزیزتر است پای من را با شمشیر بزند»؛ یکی از طایفه نصر بن معاویه به نام احمر بن مازن به سوی او یورش برد و پای او را از زانو

قطع کرد (ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۲ق: ۶۸/۲؛ نویری، ۱۴۲۳ق: ۴۲۳/۱۵؛ حلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۵/۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۳۰/۱۱؛ ابن اثیر، ۱۴۲۴ق: ۳۵۹/۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۴۲/۲۲؛ ابن عبدربه، ۲۰۰۱م: ۲۲۵/۵؛ معمر بن مثنی، ۱۴۰۷ق: ۵۰۳/۲؛ محمد بن حبيب، ۱۴۰۵ق: ۱۶۲/۱). آنگاه افراد هر دو قبیله برای هم آوردی جمع شدند ولی جنگی صورت نگرفت (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۰۳/۲-۵۰۴؛ محمد بن حبيب، ۱۴۰۵ق: ۱۶۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۳۱/۱۱؛ جواد علی، ۱۴۲۷ق: ۲۹۷/۵).

۲-۲. فجار المرأة

زن زیارویی از قبیله بنی عامر بن صعصعه در گوشه‌ای از بازار عکاظ نشسته بود. جوانانی از قبیله قریش و کنانه و یا فقط از کنانه (نویری، ۱۴۲۳ق: ۴۲۴/۱۵) نزد او رفتند و از وی خواستند که پوشش صورتش را بردارد ولی زن ممانعت کرد. یکی از آنها قسمتی از لباس او را به قسمت دیگرش گره زد به همین دلیل لباس زن هنگام برخاستن کشیده شد و بدنش نمایان گشت. در این هنگام فریاد برآورد: «یا آل عامر». افراد قبیله بنی عامر جمع شده و با آن جوانان درگیر شدند که ماجرا با میانجی‌گری «حرب ابن امیه» خاتمه یافت (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۰۴/۲-۵۰۵؛ محمد بن حبيب، ۱۴۰۵ق: ۱۶۳/۱؛ ابن عبدربه، ۲۰۰۱م: ۲۲۶/۵؛ اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۴۳/۲۲؛ ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۲ق: ۶۹/۲؛ ابن اثیر، ۱۴۲۴ق: ۳۵۹/۱؛ نویری، ۱۴۲۳ق: ۴۲۴/۱۵؛ حلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۵/۱؛ افغانی، ۱۳۹۴ق: ۳۱۲/۱؛ جواد علی، ۱۴۲۷ق: ۲۹۷/۵).

۳-۲. فجار القرد

مردی از قبیله کنانه مقداری پول به شخصی از قبیله نصر بن معاویه بدهکار بود، ولی کنانه‌ای توان پرداخت قرض خود را نداشت. نصری، میمونی را به بازار عکاظ برده و گفت: «آیا کسی هست که در برابر طلب من از کنانی، او را در عوض چنین چیزی - میمون - به من بفروشد؟» در این هنگام مردی از قبیله کنانه که از آنجا عبور می‌کرد این سخن را شنید و از شدت عصبانیت میمون را کشت. آنگاه هر کدام افراد قبیله خود را به یاری طلبیدند و مردم دور آنها جمع شدند و گفت و گویی بین آنها صورت گرفت که نزدیک بود به درگیری منجر شود (محمد بن حبيب، ۱۴۰۵ق: ۱۶۰/۱؛ دینوری، ۱۹۹۲م: ۶۰۳/۱).

ابن عبدربه، ۲۰۰۱م: ۲۲۶/۵؛ ابن اثیر، ۱۴۲۴ق: ۳۵۸/۱-۳۵۹؛ نویری، ۱۴۲۳ق: ۴۲۵/۱۵؛ افغانی، ۱۳۹۴ق: ۳۱۲/۱-۳۱۳؛ ولی با میانجی‌گری عبدالله بن جدعان خاتمه یافت و او خسارات وارد شده را پرداخت کرد (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۰۵/۲؛ بلاذری، ۱۴۲۴ق: ۱۵۷/۱۰؛ اصفهانی، ۴۴/۲۲؛ ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۲ق: ۶۹/۲؛ حلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۵/۱؛ جواد علی، ۱۴۲۷م، ۲۹۸/۵).

۴-۲. فجار بُراض

از بزرگترین جنگ‌های فجار است که خود به پنج جنگ تقسیم می‌شود:

۱-۲-۱. یوم النخله

این جنگ در مکانی به نام النخله^۱ به وقوع پیوست. مرد شروزی به نام بُراض از قومش طرد شد (اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۴۴/۲۲؛ ابن اثیر، ۱۴۲۴ق: ۳۵۹/۱؛ نویری، ۱۴۲۳ق: ۴۲۵/۱۵؛ جواد علی، ۱۴۲۷ق: ۲۹۸/۵). او به مکه رفت و به حرب بن امیه پناه برد (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۶/۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۴۴/۲۲؛ جواد علی، ۱۴۲۷ق: ۲۹۸/۵). ولی بعد از مدتی نیز با غلام حرب درگیر شده و او را کشت. حرب در صدد طرد کردن بُراض برآمد. بُراض به او گفت: «من از تو دور می‌شوم ولی حامی من باش و حمایت خود را از من برندار. سپس به نعمان بن منذر پادشاه حیره پناه برد (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۶/۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۴۵/۲۲؛ ابن اثیر، ۱۴۲۴ق: ۳۵۹/۱؛ جواد علی، ۱۴۲۷ق: ۲۹۸/۵).

نعمان هر سال کاروانی را برای تجارت راهی بازار عکاظ می‌کرد. آن سال بُراض و خدمت‌گزار دیگر وی عروه بن عتبه را با کاروان خود به مکه فرستاد ولی آن دو در بین راه با یکدیگر درگیر شده و نعمان، بُراض را طرد کرد و بُراض کینه عروه را به دل گرفت و در مکانی کمین کرده و عروه را به قتل رساند (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۰۸/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۱۰۲/۱؛ جزری، ۱۴۲۴ق: ۳۶۰/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۲۵۱/۲-۳۵۳؛ ابن هشام، ۱۴۱۷ق: ۲۲۲/۱؛ جواد علی، ۱۴۱۲۷ق: ۲۹۸/۵) و پس از این درگیری به همراه چند نفر دیگر از افراد این کاروان، شترها را با خود برد و به سوی قلعه‌های خیبر گریخت (ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۸۵/۱؛ ابن عبدربه، ۲۰۰۱م: ۱۰۴/۶؛ جواد علی، ۱۴۲۷ق: ۲۹۸/۵). بُراض در بین راه به شاعری برخورد و ماجرا را برای

۱. النخله: مکانی در منطقه حجاز، نزدیک مکه که در آنجا نخل وجود دارد. (الحموی، بی‌تا: ۲۷۷/۵)

تعریف کرده و گفت که حرب بن امیه را از قتل عروه با خبر گردانند. وقتی خبر به قریش رسید پیش از مطلع شدن قبیله هوازن، از عکاظ به سوی کعبه گریختند و قبیله هوازن به تعقیب آنها پرداختند (ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۱۰۲/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۲ق: ۲۹۷/۲، حلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۷/۱) و پیش از رسیدن قریش به کعبه، جلوی آنها را گرفتند و طبق برخی گزارش‌ها کار آن روز به جنگ نرسید (ابن عبد ربه، ۲۰۰۱م: ۱۰۴/۶؛ ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۲ق: ۲۹۷/۲). ولی بعضی دیگر گفته‌اند که که میانشان جنگ در گرفت (جزری، ۱۴۲۴ق: ۳۶۰/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۲۹۰/۲؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶ق: ۲۵۶/۱؛ ابن هشام، ۱۴۱۷ق: ۱۲۴/۱ و ۱۸۶؛ الدیّار بکری، بی تا: ۲۵۹/۱؛ حلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۷/۱؛ جواد علی، ۱۴۲۷ق: ۲۹۹/۵). قریش تا شب مقاومت کردند و با استفاده از تاریکی شب در صدد فرار برآمدند و هوازن که اوضاع را این گونه دیدند مردی از آنها فریاد برآورد: «سال بعد همین موقع دوباره به جنگ خواهیم پرداخت و در این مدت در جمع آوری سپاه کوتاهی نخواهیم کرد» (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۱۶/۲).

۲-۴-۲. یوم الشَّمْطَه

علت این جنگ که در منطقه «الشّمطه» یا «الشّمظه»^۱ روی داد همان وعده‌ای بود که در یوم النّخله داده شد. در این روز قریش و هوازن به همراه قبایل حامی خود به جنگ پرداختند که تا ظهر به نفع قبیله قیس و هم‌پیمانانش بود ولی پس از ظهر ورق برگشته و به نفع قبیله کنانه و قریش پیش رفت؛ تا آنجا که هر دو طرف در صدد صلح برآمدند و توافق کردند کشته هر طرف بیشتر بود، خون‌بهایش پرداخت شده و جنگ خاتمه یابد. جنگ پایان یافت و در این سال هم بازار عکاظ برپا نگردید (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۱۵/۲-۵۱۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۱۲/۱-۱۱۳؛ ابن عبد ربه، ۲۰۰۱م: ۲۳۰/۵؛ جزری، ۱۴۲۴ق: ۵۳۰/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۲۵۱/۲-۲۵۲؛ حلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۷/۱).

۲-۴-۳. یوم العَبَاء

در این روز بنا بر وعده‌ای که سال گذشته داده بودند، جنگ خونینی در گرفت که قبیله کنانه در آن شکست خورد (ابن عبد ربه، ۲۰۰۱ق: ۲۳۰/۵؛ اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۵۰/۲۲).

۱. مکانی نزدیک به بازار عکاظ در مکه و مکانی است که قبیله قیس با قبیله کنانه و قریش به جنگ پرداختند. (ابن عبد ربه، ۲۰۰۱م: ۲۳۰/۵)

۲-۴-۴. یوم الشرب

این جنگ در منطقه نزدیک مکه به نام الشرب رخ داد. منابع، آن را به بزرگی توصیف می‌کنند. در این روز عبدالله بن جدعان با صد نفر (محمد بن حبيب، ۱۴۰۵ق: ۱۷۱؛ ابن عبدربه، ۲۰۰۱م: ۲۳۱/۵) و طبق گزارشی دیگر به همراه هزار نفر (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۱۸/۲) شتر سوار از بنی کنانه به مصاف دشمن رفتند. قریشیان می‌ترسیدند که اتفاقی مانند «یوم العباء» تکرار شود؛ اما در پایان، این جنگ با شکست هوازن خاتمه یافت (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۱۷/۲-۵۲۲؛ ابن عبدربه، ۲۰۰۱م: ۲۳۱/۵).

۲-۴-۵. یوم الحریه

در منطقه الحریه^۱ بین قبیله هوازن در یک سو و قبایل کنانه و قریش در سوی دیگر جنگی در گرفت که گفته‌اند ابوسفیان نیز چند نفر را به قتل رساند ولی با وجود خونریزی‌ها، این جنگ برنده‌ای نداشت. در نهایت آن طرف که کشته‌های بیشتری داشت به تعداد کشته‌هایش دیه گرفت صلح برقرار گردید (ابن عبدربه، ۲۰۰۱م: ۲۳۲/۵؛ اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۵۴/۲۲؛ نویری، ۱۴۲۳ق: ۴۲۴/۱۵؛ جواد علی، ۱۴۲۷ق: ۲۹۹/۵-۳۰۰).

۳. حضور نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگ‌های فجار

برخی از گزارش‌های موجود در منابع تاریخی و حدیثی حاکی از این است که نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگ‌های فجار حضور داشته است (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۱۵/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۸۶/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۲ق: ۷۴/۲؛ ابن هشام، ۱۴۱۷ق: ۲۲۳/۱)، ولی اقدامات ایشان در این جنگ‌ها مورد اختلاف است. برخی منابع حضور نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همراه حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام را با نقلی از خود حضرت بیان کرده‌اند؛ به این بیان که تیراندازی می‌کردم، ولی نسبت به این کار کراهت داشتم (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۷/۱). در برخی دیگر از نقل‌ها اینگونه بیان شده که آن حضرت تیرهای پرتاب شده توسط دشمن را برای استفاده مجدد جمع‌آوری می‌کردند (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۱۳/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۴ق: ۷۳/۲؛ ذهبی، ۱۴۲۶ق: ۳۹۳/۱؛ ابن کثیر؛ ۱۴۱۹ق: ۲۵۱/۲؛ ابن کثیر، ۱۳۹۵ق: ۲۵۶/۱؛ نویری، ۱۴۲۳ق: ۲۵/۱۵؛ حلبی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۰/۲).

۱. مکانی بین منطقه ابواء و مکه، نزدیک به منطقه نخله. (الحموی، بی‌تا: ۲۵۰/۲)

۱۸۵/۱-۱۸۶) و در گزارشی دیگر آمده که ایشان نیزه‌ای به سوی دیگران پرتاب کردند (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۷/۱؛ حلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۶/۱).

۴. سیر تطور گزارش جنگ‌های فجار

منابع اهل سنت که به جنگ‌های فجار و حضور نبی اکرم ﷺ پرداخته‌اند را می‌توان براساس تاریخ وفات مؤلفشان، اینگونه مرتب کرد:

۱-۴. ایام العرب قبل الاسلام، معمر بن مثنی (م. ۲۱۰ق)

جنگ یوم النخله ۲۶ سال قبل از بعثت رخ داد و نبی اکرم ﷺ به همراه عموهای خود در این جنگ شرکت کردند، چنانچه خود ایشان اینگونه فرموده‌اند در روز جنگ فجار برای استفاده دوباره عموهایم، تیر جمع می‌کردم (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۰۶/۲). همچنین بزرگ قبایل بنی‌هاشم و بنی‌المطلب در جنگ «یوم الشمطه»، زبیر بن عبدالمطلب بود که نبی اکرم ﷺ همراهی اش می‌کردند (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۱۵/۲). یوم الشرب بزرگترین جنگ ایام الفجار بود که در آن ابن جدعان برای جنگ، هزار نفر شتر سوار مسلح مهیا کرده بود (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۱۸/۲). در این روز از قریشیان فقط، زبیر بن عبدالمطلب حضور داشت و احتمالاً نبی اکرم ﷺ در این ایام در یوم النخله بوده‌اند. چنانچه از خود ایشان نقل شده که در سن بیست سالگی به سوی ابراء، فرمانده قبیله هوازن، نیزه پرتاب کرده‌اند و وقتی درباره حضور ایشان سؤال شد فرمودند که دیگران به ما حمله کردند و ما دفاع کردیم. در این جنگ‌ها هم ابوطالب، حمزه و عباس بن عبدالمطلب حضور داشتند ولی اهالی اخبار ایام العرب این را ذکر نکرده‌اند (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۲۵/۲).

۲-۴. السیره النبویه ابن هشام، (م. ۲۱۳ق)

در بعضی از ایام جنگ‌های فجار، نبی اکرم ﷺ در کنار عموهایشان حاضر بودند. چنانچه خود ایشان فرموده که برای عموهایم، جهت استفاده دوباره تیر جمع آوری می‌کردم؛ یعنی پس از تیراندازی دشمن، آنها را جمع می‌کردم. ابن اسحاق می‌گوید که جنگ‌های فجار در چهارده سالگی نبی اکرم ﷺ رخ داد و فرمانده قبیله قریش و کنانه در این جنگ‌ها حرب ابن امیه بود (ابن هشام، ۱۴۱۷ق: ۲۲۳/۱).

۳-۴. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد (م. ۲۳۰ق)

فرماندهان قریش در فجار براض، هشام بن مغیره، حرب ابن امیه و عکرمه بن عامه بودند، که فرمانده آنها نیز عبدالله بن جدعان بود. روایتی مرسل نیز بیان می‌کند که همراه عمویم حاضر بودم و تیراندازی می‌کردم و به این کار هم علاقه‌ای نداشتم. مؤلف می‌گوید که نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیست ساله بودند و فجار نیز بیست سال بعد از عام الفیل بود. همچنین در روایتی دیگر حکیم بن حزام می‌گوید که نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در یوم الفجار دیدم (ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۲۲۲/۱-۲۲۳).

۴-۴. المنمق فی اخبار قریش، محمد بن حبیب (م. ۲۴۵ق)

حضور نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از ابی عبیده و همان مطالب الطبقات الكبرى را هم با همان سند بیان می‌کند.

۵-۴. جمل من انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری (م. ۲۷۹ق)

نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به همراه عموی خود در یوم النخله حاضر شد، که بزرگترین جنگ‌های فجار بود. در این جنگ قبیله هوازن، قریش را تعقیب کرده و جنگیدند تا آن که قریش داخل در حرم شد و شب آنان را فراگرفت (بلاذری، ۱۴۱۴ق: ۱۱۰/۱).

بزرگ بنی هاشم در جنگ یوم الشمطه زبیر بن عبدالمطلب بود و گفته شده نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این دو روز به همراه عموی خود حضور داشته و برای او تیر جمع می‌کرده‌اند. هشام بن کلبی می‌گوید که در یوم النخله نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیست ساله بوده‌اند و هر نقلی که می‌گوید ایشان ۱۴ ساله بوده‌اند قطعاً غلط است (بلاذری، ۱۴۲۴ق: ۱۱۳/۱).

۶-۴. مروج الذهب و معادن الجواهر، علی بن حسین مسعودی (م. ۲۸۰ق)

ولادت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در عام الفیل بوده است و بین عام الفیل و عام الفجار، بیست سال فاصله است (مسعودی، ۱۴۲۲ق: ۴۴۱/۲) و ایشان در بیست و یک سالگی در جنگ‌های فجار حاضر بوده‌اند (مسعودی، ۱۴۲۲ق: ۴۵۳/۲).

۷-۴. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (م. ۲۹۲ق)

نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در هفده سالگی و یا در بیست سالگی در جنگ‌های فجار حاضر بوده‌اند.

(یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۶/۱) حضرت ابوطالب علیه السلام گفته بودند که این جنگ‌ها ظالمانه است و باعث حلال شمردن ماه حرام و دوری طوایف از یکدیگر می‌شود و هیچ شخصی از خانواده من در آنها حاضر نمی‌شود ولی زبیر به اجبار حاضر شد؛ و عبدالله بن جدعان و حرب ابن امیه می‌گویند که در کاری که بنی‌هاشم حضور نداشته باشند ما حاضر نمی‌شویم و زبیر خارج شد. همچنین گفته‌اند در این جنگ‌ها حضرت ابوطالب علیه السلام به همراه نبی اکرم صلی الله علیه و آله حاضر بودند و از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که در فجار حاضر بودم و برای عمویم تیر جمع‌آوری می‌کردم و نیز گفته شده وقتی که بیست ساله بودند و به سوی ابراء نیزه‌ای پرتاب کردند (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۷/۱).

۸-۴. العقد الفرید، احمد بن محمد بن عبد ربّه (م. ۳۲۸ق)

ابن عبدربه مطالب مربوط به جنگ‌های فجار را از ابی‌عبیده نقل می‌کند و مطلب جدیدی در این باره نقل نکرده است (ابن عبدربه، ۲۰۰۱م: ۲۲۵/۵-۲۳۲).

۹-۴. الاغانی، ابوالفرج اصفهانی (م. ۳۵۶ق)

ابوالفرج اصفهانی مطالب مربوط به جنگ‌های فجار را از ابی‌عبیده نقل می‌کند و مطلب جدیدی در این باره نقل نکرده است (اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۴۲/۲۲).

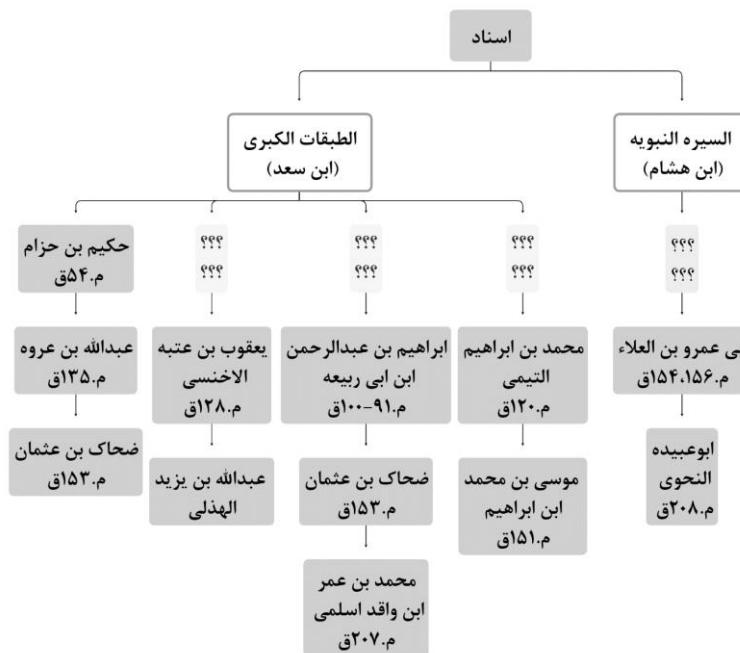
در این بخش با نگاهی به این سیر تطور گزارش‌ها، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که اولین کتابی که این گزارش را نقل کرده است در نیمه دوم قرن دو بوده است؛ و حال اشکالی که به این نقل‌ها می‌توان گرفت این است که یا از کسی این‌ها را نقل کرده است، که اینگونه نمی‌باشد؛ یا خود مؤلف حاضر در صحنه جنگ‌های فجار باشد، که باز هم اینگونه نیست. پس این گزارش‌ها از چه طریقی به مؤلف رسیده است؟ در موارد دیگر هم که از این کتاب گزارش کرده‌اند نیز، سخن آنها را نمی‌توان پذیرفت؛ چون گزارش اولیه آنها مورد نقد و خدشه است. در مواردی هم با اینکه سند گزارش کرده‌اند در صفحات بعد این اسناد هم بررسی می‌شود که آیا می‌توان به این گزارش‌ها اطمینان کرد یا خیر؟

در موارد دیگر نیز که گزارش کرده‌اند، مربوط به قرن سه می‌شود که این فاصله حدودی

۱۷۰ تا ۲۰۰ ساله‌ای که میان این گزارش‌ها وجود دارد به چه شکل قابل پوشش است؟

۵. بررسی سندی و تحلیل محتوای گزارش‌ها

در تصویر پیش رو همه کتاب‌هایی که گزارش‌ها را با سند نقل کرده‌اند به همراه اسناد موجود در کتاب‌ها، به صورت درختواره‌ای مرتب شده است.





۱-۵. بررسی سندی گزارش‌ها

در ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که همهٔ اسناد (به جز یکی) مرسل هستند. ولی در مورد همان اسناد مرسل نیز نکات حائز اهمیتی، بدین شرح مطرح است:

در سند اول از کتاب «الطبقات الکبری» (ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۸۵/۱) مشاهده می‌شود که «عبدالله بن عروه» از «حکیم بن حزام» روایت کرده است، در صورتی که نام وی در میان کسانی که از «حکیم» روایت کرده‌اند دیده نمی‌شود (مزی، ۱۴۲۱ق: ۲۰۷/۵-۲۰۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۴۰۷/۲).

در سند اول از کتاب «المنتظم» (ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۲ق: ۷۳/۲) نام «موسی بن محمد بن عمرو» وجود دارد. او فردی مجهول است که هیچ شرح حالی برای وی بیان نشده است و نام وی در هیچ کتاب دیگری مطرح نشده است و فقط در کتاب «المنتظم» و در همین سلسله سند به او اشاره شده است.

همچنین در سند دوم از کتاب «المنتظم» (ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۲ق: ۷۳/۲) «ضحاک بن عثمان بن ضحاک» از «محمد بن عمر بن واقد» نقل روایت کرده است، در حالی که «ضحاک» جزء شاگردان «واقدی» نیست (مزی، ۱۴۲۱ق: ۹۷/۱۷-۹۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۲/۷ و از طرفی «واقدی» نیز جزء شیوخ «ضحاک» نبوده است (مزی، ۱۴۲۱ق: ۱۶۳/۹؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۷۶/۴).

همین‌طور می‌بینیم که «ابوبکر احمد بن عمرو البزاز» متوفی سال ۲۹۲ق (ذهبی، ۱۴۲۰ق: ۵۵۶/۱۳) از «ابومحمد جوهری» که متولد سال ۳۶۳ق و متوفی سال ۴۵۴ق است (خطیب بغدادی، ۱۴۲۵ق: ۴۰۴/۷) نقل روایت کرده که طبق سال وفات هر دو شخص، نقل روایت قابل قبول نیست.

نکتهٔ بعدی سندی است که در کتاب «شرح نهج البلاغه» از ابن ابی الحدید نقل شده است. در این سند «نصر بن مزاحم» از «معروف بن خربوذ» روایت می‌کند، در صورتی که «نصر بن مزاحم» جزء شاگردان «معروف بن خربوذ» نیست (مزی، ۱۴۲۱ق: ۲۴۸/۱۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۲۶۸/۸) و «معروف بن خربوذ» هم جزء اساتید «نصر بن مزاحم» نبوده است (ذهبی، ۱۴۲۶ق: ۶۵۱/۵)؛ دیگر این که «نصر بن مزاحم» کتابی در بیان سیرهٔ نبی اکرم ﷺ دارد که در

آن خبری از حضور نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگ‌های فِجَّار نیامده است؛ پس نقل حضور ایشان، آن هم از «نصر بن مزاحم» بعید به نظر می‌رسد.

در بررسی افراد سند نیز موارد زیر قابل ذکر است:

۱. یعقوب بن عتبه الاخنسی (م. ۱۲۸ق): او در زمان بنی امیه زندگی می‌کرده و یاری دهنده حاکمان و مسئول جمع آوری صدقات بوده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۲۰۳/۶۹؛ بخاری، ۱۴۲۹ق: ۲۶۵/۸؛ مزی، ۱۴۲۱ق: ۴۴۱/۲۰؛ رازی، ۱۴۳۵-۱۴۳۶ق: ۱۴۰/۹؛ ذهبی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۴/۶).

۲. عبدالله بن یزید هذلی: بخاری می‌گوید که او متهم به زندیق بودن است. مره می‌گوید او متهم به امر عظیم است و نسائی نیز ثقة نبودن هذلی را متذکر می‌شود (ذهبی، ۱۴۲۰ق: ۴۰۴/۲؛ عسقلانی، ۱۴۰۸ق: ۳۹/۵).

۳. محمد بن ابراهیم التیمی (م. ۱۲۰ق): احمد بن حنبل می‌گوید: «فی حدیثه شیء» (ذهبی، ۱۴۲۰ق: ۴۳۱/۳؛ عقیلی، ۱۴۳۵ق: ۴۲۰/۳).

۴. موسی بن محمد بن ابراهیم التیمی (م. ۱۵۱ق): آجری نقل می‌کند که ابی داوود او را تضعیف کرده است. همچنین دارقطنی حدیث او را متروک و ابوحاتم رازی او را «ضعیف الحدیث» می‌خواند (عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۴۲۳/۸). نام وی در دیوان الضعفاء آمده است (عقیلی، ۱۴۳۵ق: ۴۳۰/۱). ابوزرعه نامش را در ضعفاء آورده است. نسائی و دارقطنی نیز او را از ضعفاء و متروکین شمرده‌اند (نوری، ۱۴۱۲ق: ۱۸۷/۳).

۵. محمد بن عمر بن واقد اسلمی (۱۳۰ق-۲۰۷ق): بخاری و احمد بن حنبل او را متروک دانسته‌اند و ابن مبارک، ابن نمیر، اسماعیل بن زکریا، بخاری و معاویه بن صالح گفته‌اند که احمد او را تکذیب کرده است (عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۳/۷؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ق: ۸۱/۱؛ عقیلی، ۱۴۳۵ق: ۵۲۰/۳). یحیی بن معین نیز او را «ضعیف» دانسته است (عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۳/۷).

ابوداود سجستانی به نقل از علی بن مدینی، واقدی را راوی احادیث غریب دانسته و همچنین عبدالله بن علی بن مدینی از پدرش روایت کرده که واقدی هزار حدیث دارد که کسی تا به حال آنها را نشنیده است. یونس بن عبدالاعلی به نقل از شافعی، کتاب‌های

واقدی را دروغ خوانده است. همچنین نسائی چهار نفر را جزء واضعان حدیث نام می‌برد که واقدی نیز یکی از آنان است (ذهبی، ۱۲ق: ۶۲/۹-۶۳).

همچنین یحیی بن معین، ابوحاتم، ابن راهویه و نسائی به او نسبت جعل داده‌اند (نسائی، ۲۳ق: ۷۶؛ ذهبی، ۲۴ق: ۶۳-۶۳۳/۳؛ ذهبی، ۲۶ق: ۶۷/۵).

۶. ضحاک بن عثمان بن عبدالله (م. ۱۵۳ق): ابن عبدالبر ضحاک را دارای خطاهای فراوان دانسته و احادیث او را حجت نمی‌داند (عسقلانی، ۱۵ق: ۷۶/۴).

۷. محمد بن الحسن بن زباله (م. ۲۰۰ق): بخاری به نقل از ابن معین به او نسبت سرقت احادیث داده است (بخاری، ۲۹ق: ۶۷/۱؛ نوری، ابوالمعاطی، ۱۲ق: ۶۵/۲). ابوزرعه احادیث او را غیر قابل قبول دانسته و نامش را در «اسامی الضعفاء» آورده است (نوری، ابوالمعاطی، ۱۲ق: ۶۵/۲). ابوحاتم رازی او را ضعیف الحدیث (نوری، ابوالمعاطی، ۱۲ق: ۶۵/۲) و نسائی او را متروک الحدیث می‌داند (ذهبی، ۲۶ق: ۶۲۹/۵؛ نوری، ابوالمعاطی، ۱۲ق: ۶۵/۲). ابوداود و ابن معین او را دروغگو می‌دانند (ذهبی، ۳۸۷ق: ۳۶۶؛ ذهبی، ۲۶ق: ۶۲۹/۵). ابن معین او را به خاطر دروغگو بودن کنار گذاشته است. برخی او را جعل، سارق حدیث و دروغگو خطاب می‌کنند (ذهبی، ۲۶ق: ۶۲۹/۵).

۲-۵. بررسی محتوایی

در این بخش به بررسی و نقد دلالتی گزارش‌های حضور نبی اکرم ﷺ در جنگ‌های فجار خواهیم پرداخت.^۱

الف) تناقض گزارش‌ها در مورد سن نبی اکرم ﷺ

یکی از نقدهای دلالتی گزارش‌های حضور نبی اکرم ﷺ در جنگ‌های فجار تناقض گزارش‌ها در مورد سن نبی اکرم ﷺ است. در منابع اهل سنت آمده است که نبی اکرم ﷺ در زمان حضور در جنگ‌های فجار چهارده ساله (ابن عبدربه، ۲۰۰م: ۲۲۷/۵؛ ابن جوزی، ۱۴۳۱-۱۴۳۴ق: ۷۳/۲؛ ابن هشام، ۱۷ق: ۲۲۱/۱)؛ پانزده ساله (ابن هشام، ۱۷ق: ۲۲۳/۱)، ۱۷ ساله (یعقوبی، ۱۳ق: ۳۳۶/۱) و بیست ساله بوده‌اند (ابن سعد، ۱۴ق: ۸۶/۱؛ یعقوبی، ۱۳ق: ۳۳۶/۱).

۱. برخی از نقدهای مذکور، برگرفته از کتاب الصحیح من سیرة نبی الاعظم است. (عاملی، سیدجعفر مرتضی، ۱۴۲۶ق: ۲۲۶/۲-۲۲۷)

۳۳۷/۱؛ جزری، ۱۴۲۴ق: ۳۶۱/۱؛ جزری، ۱۴۳۱-۱۴۳۴ق: ۷۴/۲؛ ذهبی، ۱۴۲۶ق: ۳۹۳/۱؛ ابن هشام، ۱۴۱۷ق: ۲۲۳/۱).

ب) تناقض گزارش‌ها درباره نحوه فعالیت نبی اکرم ﷺ در جنگ‌ها

یکی دیگر از نقدهای دلالتی، تناقض گزارش‌ها درباره نحوه فعالیت نبی اکرم ﷺ در جنگ‌ها است. تناقض مذکور به سه گونه ذکر شده است: جمع‌آوری تیرهای دشمنان برای استفاده دوباره (ابی عیبه، ۱۴۰۷ق: ۵۰۶/۲؛ اصفهانی، ۱۴۲۰ق: ۴۴/۲؛ ابن هشام، ۱۴۱۷ق: ۲۲۳/۱)، پرتاب نیزه (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۷/۱) و تیراندازی (ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۸۶/۱؛ محمد بن حیب، ۱۴۰۵ق: ۱۸۰).

ج) جلوگیری از حضور بنی‌هاشم توسط حضرت ابوطالب رضی الله عنه در جنگ‌های فجار

از حضرت ابوطالب رضی الله عنه چنین گزارش شده است که این جنگ‌های فجار ظالمانه‌اند و باعث قطع روابط و حلال دانستن ماه حرام است؛ به همین دلایل از شرکت افراد قبیله خود در این جنگ‌ها جلوگیری کردند. حضور زبیر بن عبدالمطلب نیز با اکراه ذکر شده است (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۷/۱؛ عاملی، سیدجعفر مرتضی، ۱۴۲۶ق: ۲۲۶/۲).

د) تناقض سیره عملی نبی اکرم ﷺ با حضور در جنگ‌های فجار

سیره نبی اکرم ﷺ در دوران بعد نشان از آن دارد که آن حضرت نسبت به جنگ در ماه‌های حرام حساسیت داشته است. یکی از سیره‌های دوران نبی اکرم ﷺ، سیره نخله بود. در این سیره، برای سپاهیان اسلام نسبت به ورود در ماه حرام تردید حاصل شد ولی آنان به جنگ پرداختند و غنیمت‌هایی نیز به دست آوردند. در پی این ماجرا، آیه ۲۱۷ سوره بقره نازل شد که متضمن بیانی تند نسبت به قتال در ماه حرام بود. هنگامی که سپاهیان اسلام به حضور نبی اکرم ﷺ رسیدند، حضرت آنها را به دلیل جنگیدن در ماه حرام عتاب کرده و دستور دادند که غنیمت‌ها را به صاحبانشان برگردانند (واقعی، ۱۴۱۸ق: ۱۳/۱-۱۹). از زندگانی نبی اکرم ﷺ چنین برمی‌آید که به قوانین دین و حرمت‌ها پایبند بوده‌اند و همچنین جناب ابوطالب رضی الله عنه شخصی دیندار بوده‌اند (عاملی، سیدجعفر مرتضی، ۱۴۲۶ق: ۲۲۵/۲). از این رو حضور آنان در جنگ‌های فجار بعید به نظر می‌رسد.

ه) عدم وجود گزارش متقن و قابل اعتنا

برخی از محققین حضور حضرت را به دلیل نبودن گزارشی متقن و قابل اعتنا در این زمینه منتفی می‌دانند (سهیلی، ۱۴۱۲ق: ۷۵/۲ - ۲۳۶/۲).

و) مشخص نبودن جنگی که نبی اکرم ﷺ در آن حضور داشته‌اند.

علاوه بر آن مشخص نیست نبی اکرم ﷺ در کدام یک از این جنگ‌ها حضور داشته‌اند؛ چرا که در هر کدام از منابع، متفاوت بیان شده است (ابی عبیده، ۱۴۰۷ق: ۵۰۶/۲؛ ابن هشام، ۱۴۱۷ق: ۲۲۳/۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۴ق: ۲۲۲/۱ - ۲۲۳؛ بلاذری، ۱۴۱۴ق: ۱۱۰/۱).

ز) وقوع برخی از جنگ‌های فجار در غیر ماه حرام

یکی از نقدهای دلالتی دیگر وقوع برخی از جنگ‌های فجار در غیر ماه حرام است و از این رو روشن نیست که نبی اکرم ﷺ در چه ماهی در این جنگ‌ها حضور داشته است، چون در گزارش‌ها آمده که برخی آن را در ماه شعبان (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۲۵۳/۲) و برخی در شوال ذکر کرده‌اند (حلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۸/۱). برخی تصریح کرده‌اند که زمینه‌های جنگ در ماه‌های حرام فراهم شده است ولی برای جلوگیری از حرمت شکنی ماه چهار یا شش روز، جنگ را به تعویق انداخته‌اند (حلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۸۷/۱؛ عاملی، سیدجعفر مرتضی، ۱۴۲۶ق: ۲۲۶/۲).

حال با بررسی‌های محتوایی صورت گرفته و ایرادات وارده به گزارش‌های حضور نبی اکرم ﷺ در جنگ‌های فجار به طور مشخص نمی‌توان ثابت نمود که نبی اکرم ﷺ در این جنگ‌ها حضور داشته‌اند و به دلیل تعدد اشکالات بلکه می‌توان عدم حضور ایشان را ثابت نمود.

نتیجه‌گیری

براساس پژوهش پیش رو نتایج زیر حاصل شد:

محتوای گزارش‌های فجار در موارد متعدد اعم از سن نبی اکرم ﷺ، چگونگی حضور ایشان و کاری که عهده‌دار بوده‌اند، با سیره عملی نبی اکرم ﷺ در تناقض است. علاوه بر اینکه حضرت ابوطالب به دلیل ظالمانه بودن این جنگ‌ها از بروز آن جلوگیری کرده؛ بنابراین گزارشی که بتواند ثابت کننده حضور ایشان در فجار باشد، یافت نشد. در مرحله بعدی می‌توان به این اطمینان رسید که این گزارشات مطابق با واقع نمی‌باشد. برخی از

مورخین نیز بر عدم صحت گزارش‌های مذکور و عدم وجود حدیثی قابل اعتنا در این زمینه تصریح کرده‌اند.

از لحاظ سندی نیز، نقل‌هایی به صورت مرسل وجود دارد و برخی از افراد موجود در سند نیز به جاعل و یا دروغگو بودن متهم هستند و یک نفر نیز موجودیت خارجی ندارد و نامی از او در کتاب‌های حدیثی و تاریخی یافت نمی‌گردد و فقط تنها یک مرتبه و آن هم در همین گزارش نام وی ثبت شده است. از این رو نمی‌توان به سخن آنها اطمینان کرد.

منابع

- قرآن کریم

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۳۱-۱۴۳۲ق)، المنتظم فی تواریخ الملوک والامم، تحقیق مقدمه: سهیل ذکار، بیروت: دارالفکر.
۲. ابن حبان، محد بن حبان، (۱۴۲۴ق)، الثقات، بیروت: دارالفکر.
۳. ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابراهیم، (۱۴۱۹ق)، وفيات الاعیان وانباء ابناء الزمان، تحقیق: یوسف علی طویل و مریم قاسم طویل، بیروت: دارلکتب العلمیه.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۴ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دارالفکر.
۵. ابن عبد ربّه، احمد بن محمد بن عبد ربّه، (۲۰۰۱م)، العقد الفرید، تحقیق و شرح: الدكتور محمد التوبیخی، بیروت: دار صادر.
۶. ابن عدی، عبدالله، (۱۴۰۹ق)، الکامل فی الضعفاء الرجال، تحقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت: دارالفکر.
۷. ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۱۵ق)، تاریخ دمشق الکبیر، بیروت: دارالفکر.
۸. ابن قتیبّه، ابی محمد عبدالله بن مسلم، (بی تا)، المعارف، تحقیق: ثروت عکاشه، قاهره: دارالمعارف.
۹. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر، (۱۳۹۶ق)، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر، (۱۴۱۹ق)، البدایه والنهایه ومعه نهایه البدایه والنهایه فی الفتن والملاحم، بیروت: دارالفکر.
۱۱. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر، (۱۴۳۲ق)، التکمیل فی الجرح والتعدیل ومعرفه الثقات والضعفاء والمجاهل، تحقیق: شادی بن محمد آل نعمان، یمن: مرکز النعمان للبحوث والدراسات الاسلامیه.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۶۳ش) لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
۱۳. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، (۱۴۱۷ق)، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا، ابراهیم الیاری و عبدالحفیظ الشبلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. ابی عبیده، معمر بن مثنی، (۱۴۰۷ق)، ایام العرب قبل الاسلام، تحقیق: عادل جاسم البیاتی، بیروت: عالم الکتب.

١٥. الحموي الرومي، شهاب الدين ياقوت بن عبدالله، (بى تا) معجم البلدان، بيروت: دار احياء التراث العربي.
١٦. ازدي، ابوبكر محمد بن حسن، (١٣٨٦ش) ترتيب جمهرة اللغة، مشهد: بنياد پژوهش های آستان قدس رضوی.
١٧. اصفهاني، ابوالفرج، (١٤٢٠ق)، الاغانى، تحقيق: الدكتور يوسف البقاعى و غريد الشيخ، بيروت: الاعلامي للمطبوعات.
١٨. افغاني، سعيد بن محمد، (١٣٩٤ق)، اسواق العرب في الجاهلية والاسلام، بيروت: دارالفكر.
١٩. الديار بكري، حسين بن محمد، (بى تا)، تاريخ الخميس في احوال النفيس، بيروت: دار صادر.
٢٠. رازى، عبدالرحمن بن محمد بن ابى حاتم، (١٤٣٥-١٤٣٦ق)، الجرح والتعديل، ضبط: محمد خالد عطار، بيروت: دارالفكر.
٢١. آلوسي البغدادي، شهاب الدين السيد محمود، (١٤٢٠ق) روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، بيروت: دار احياء التراث العربي.
٢٢. بخاري، محمد بن اسماعيل، (١٤٢٩ق)، التاريخ الكبير، تحقيق، مصطفى عبدالقادر و احمد عطا، بيروت: دارالكتب العلمية.
٢٣. بلاذري، احمد بن يحيى، (١٤١٧ق)، جمل من انساب الاشراف، تحقيق: سهيل ذكار و رياض زركلي، بيروت: دارالفكر.
٢٤. جزري، عزالدين ابن اثير على بن محمد، (١٤٢٤ق)، الكامل في التاريخ، بيروت: دارالفكر.
٢٥. _____، _____، (١٤٢٣ق)، اسد الغابه في معرفة الصحابه، بيروت: دارالفكر.
٢٦. جواد علي، (١٤٢٧ق)، المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، تهران: آوند دانش.
٢٧. جوهرى، حماد بن عيسى، (١٣٧٦ق) الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، بيروت: دار العلم للملايين.
٢٨. حلبى، ابى الفرج على بن ابراهيم، (١٤٢٢ق)، السيرة حلبية، تصحيح: عبدالله محمد الخليلى، بيروت: دارالكتب العلمية.
٢٩. خطيب بغدادى، احمد بن على، (١٤٢٥ق)، تاريخ بغداد، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالفكر.
٣٠. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان، (١٤١٢ق)، سير اعلام النبلاء، بيروت: مؤسسه الرساله.

۳۱. _____، _____، (۱۴۲۰ق)، *میزان الاعتدال*، بیروت: دارالفکر.
۳۲. _____، _____، (۱۴۲۶ق)، *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والاعلام*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۳. زرکلی، خیرالدین، (۲۰۰۷م)، *الاعلام قاموس التراجم*، بیروت: دارالعلم الملايين.
۳۴. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد، (۱۴۲۴ق) *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الاقویل فی وجوه التاویل*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۵. سهیلی، عبدالرحمن، (۱۴۱۲ق)، *الروض الانف فی شرح السیرة النبویة لابن هشام*، تحقیق: عبدالرحمن وکیل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۲۲ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۷. طبرسی، امین الدین ابوعلی الفضل بن حسن، (۱۳۷۷ش)، *جوامع الجامع*، مقدمه و تصحیح و تعلیقات: ابوالقاسم گرجی، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
۳۸. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، (۱۴۲۳ق)، *تاریخ الطبری*، بیروت: دارالفکر.
۳۹. عاملی، سید جعفر مرتضی، (۱۴۲۷ق)، *الصحيح من سیرة النبي الاعظم ﷺ*، بیروت: المرکز الاسلامی للدراسات.
۴۰. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، (۱۴۰۸ق)، *لسان المیزان*، بیروت: دارالفکر.
۴۱. _____، _____، (۱۴۱۵ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دارالفکر.
۴۲. عقیلی، ابی جعفر محمد بن عمر، (۱۴۳۵ق)، *الضعاء*، بیروت: دار التاصیل.
۴۳. فاسی، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، *شفاء الغرام باخبار البلد الحرام*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۴. فیروزآبادی شیرازی، مجدالدین محمد بن یعقوب، (۱۴۲۰ق) *القاموس المحيط*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۵. محمد بن حبیب، (۱۴۰۵ق)، *المنمق فی اخبار القریش*، محقق: خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم الکتب.
۴۶. مزی، جمال الدین ابی الحجاج یوسف، (۱۴۲۱ق)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، بیروت: دارالفکر.
۴۷. مسعودی، ابی الحسن علی ابن الحسین، (۱۴۲۲ق)، *مروج الذهب ومعادن الجوهر*، تحقیق: یوسف البقاعی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

٤٨. نسائی، احمد بن شعيب، (١٤٢٣ق)، تسمیة مشايخ ابي عبد الرحمن احمد بن شعيب بن علي نسائي، تحقيق: الشريف حاتم بن عارف العوني، مكة المكرمة: دار عالم الفوائد.
٤٩. نویری، شهاب الدين احمد بن عبد الوهاب، (١٤٢٣ق)، نهاية الارب في فنون الادب، القاهرة: دار الكتب و وثائق القومية.
٥٠. نوري، السيد ابو المعاطي، حسن عبد المنعم شلبي، احمد عبد الرزاق عيد، محمود محمد خليل الصعيدي، محمد مهدي المسلمي، ايمن ابراهيم الزامل و ابراهيم محمد النوري، (١٤١٢ق)، الجامع في الرجح والتعديل، بيروت: عالم الكتب.
٥١. واقدي، محمد بن عمر بن واقد، (١٤١٨ق)، المغازي، تحقيق: مارسدنس جونس، بيروت: الاعلمي للمطبوعات.
٥٢. يعقوبي، احمد بن ابي يعقوب، (١٤١٣ق)، تاريخ يعقوبي، تحقيق: عبدالامير مهنا، بيروت: الاعلمي للمطبوعات.